





وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
موسسه آموزش عالی غیر دولتی ادیب ملازندان

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق خصوصی

موضوع:

بررسی فقهی حقوقی اهداء عضو بیماران مرگ مغزی در ایران

استاد راهنما:

دکتر حبیب‌اله چوپانی مرسی

نگارش

فاطمه آقاجانی

تابستان ۱۳۹۷



وزارت علوم تحقیقات و فناوری  
موسسه آموزش عالی  
غیر دولتی ادیب مازندران

تأییدیه دفاع از پایان نامه - کارشناسی ارشد

گروه: حقوق خصوصی

با یاری از خداوند متعال جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد خانم فاطمه آقاچانی دانشجوی رشته حقوق خصوصی با بررسی فقهی حقوقی اهدای عضو بیماران مرگ مغزی در ایران در تاریخ ۹۷/۰۶/۲۲ با حضور هیأت داوران برگزار شد و با نمره ۱۷/۷ و درجه خوب به تصویب رسید.

نام و نام خانوادگی	سمت
--------------------	-----

استاد راهنما

جناب آقای دکتر حبیب الله چوپانی

استاد داور

جناب آقای دکتر احمد امیرمعزی

استاد داور

جناب آقای دکتر شهرام اصغری

ارائه مقاله توسط دانشجو  خیر  بلی

نمره حاصل از ارزشیابی مقاله/مقالات دانشجو برابر ضوابط..... محاسبه و نمره نهایی دفاع از پایان نامه (مجموع نمره دفاع و مقاله) با درجه ..... و با عدد ۱۷.۷.۵. با حروف خوب تعیین گردید.

واحد تحصیلات تکمیلی  
موسسه آموزش عالی غیر دولتی ادیب مازندران



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
موسسه آموزش عالی غیر دولتی ادیب مازندران

«بسمه تعالی»

«تعهد نامه اصالت رساله یا پایان نامه»

## اینجانب فاطمه آقاجانی

دانش آموخته دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی در تاریخ ۲۲ / ۰۶ / ۹۷ از پایان نامه خود که تحت عنوان «بررسی فقهی حقوقی اهداء عضو بیماران مرگ مغزی در ایران» با حضور هیأت داوری برگزار شد و کسب نمره ۱۷/۷۵ و با درجه خوب اخذ نموده ام بدین وسیله متعهد می شوم:

- این پایان نامه / حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ..... ) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوط ذکر و درج کرده ام.
- این پایان نامه / قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشند از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود. عواقب ناشی از آن را می پذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی

تاریخ و امضاء

## تقدیم به

پدر و مادرم و تمام پدران و مادران مهربانی که زندگی را برای فرزندانمان ترجمه کردند تا راه شناخت آفریدگار هستی را با علم و عمل، پیشه خود سازند و تقدیم به هانی عزیزم که وجودش تنها امید زندگی من است. پسر؛ تلاش کردم تا با تعلیم به جاودانگی برسم تا تو جاودانه باشی.

## سپاسگزاری

سپاس بی منتها خدای را که به ما توانایی اندیشیدن عطا فرموده است. بر خود واجب می‌دانم که تا به رسم ادب از تمامی اساتید دلسوز و ارجمند که در طول دوره تحصیل خود، از محضرشان کسب فیض نمودم کمال تشکر را داشته باشم که همانا این اندوخته اندک را مرهون آن بزرگوارانم.

مراتب سپاس و قدردانی از استاد راهنمای گرامی جناب آقای دکتر حبیب‌اله چوپانی، مدیر گروه گرامی جناب آقای دکتر شهرام اصغری، که با راهنمایی و حمایت‌های صادقانه‌شان، دشواری‌های تحقیق را بر این جانب آسان ساختند، ابراز می‌دارم.

## فهرست مطالب

عنوان	شماره صفحه
چکیده.....	۱.....
الف- بیان مسأله.....	۲.....
ب- سؤال‌های پژوهش.....	۲.....
ج- اهداف پژوهش.....	۳.....
د- فرضیه های پژوهش.....	۳.....
ه- حدود پژوهش.....	۳.....
و- پیشینه پژوهش.....	۳.....
ح- روش شناسی پژوهش.....	۴.....
خ- سازماندهی پژوهش.....	۴.....

### فصل اول: مفاهیم و کلیات

۱-۱- مفهوم فقه.....	۷.....
۱-۱-۱- فقه در لغت.....	۷.....
۲-۱-۱- فقه در اصطلاح.....	۸.....
۲-۱- مفهوم مرگ طبیعی.....	۹.....
۳-۱- مفهوم مرگ مغزی و بررسی مفاهیم مشابه آن.....	۱۰.....
۴-۱- مفهوم عضو وبافت.....	۱۳.....
۵-۱- مفهوم اهداء و پیوند اعضای بدن.....	۱۴.....
۶-۱- مستندات فقهی و حقوقی قطع عضو از جسد.....	۱۷.....
۶-۱-۱- مستندات فقهی مخالفان و موافقان قطع عضو از جسد.....	۱۸.....
۶-۲-۱- مستندات حقوقی جواز قطع عضو از جسد.....	۲۴.....
۷-۱- بررسی معیار اولیای متوفی در برداشت عضو.....	۲۶.....

- ۸-۱ - برداشت عضو از بدن کافر ..... ۲۸
- ۸-۱-۱ - برداشت عضو از کافر و پیوند آن به مسلمان ..... ۲۸
- ۸-۲ - برداشت عضو از جسد مشکوک الحال و پیوند آن به مسلمان ..... ۳۱
- ۸-۳ - برداشت عضو از مشکوک الحال و پیوند آن به کافر ..... ۳۲
- ۹-۱ - تاریخچه ..... ۳۳
- ۹-۱-۱ - تاریخچه بیماری مرگ مغزی و اهداء اعضا در دنیا ..... ۳۳
- ۹-۱-۲ - تاریخچه مرگ مغزی و اهداء عضو در ایران ..... ۳۵

### فصل دوم: ماهیت عمل حقوقی اهداء عضو

- ۲-۱ - بررسی شرایط اساسی انتقال عضو در قالب عقود ..... ۴۰
- ۲-۱-۱ - قصد طرفین انتقال عضو و رضای آنها ..... ۴۰
- ۲-۱-۲ - بررسی اهلیت در معامله اعضا ..... ۴۱
- ۲-۱-۳ - بررسی مالیت اعضای بدن ..... ۴۲
- ۲-۱-۴ - بررسی منفعت عقلایی اعضای بدن ..... ۴۵
- ۲-۱-۵ - بررسی مشروعیت جهت معامله انتقال عضو ..... ۴۵
- ۲-۱-۶ - بررسی شرط مالکیت انسان بر اعضای بدن خود ..... ۴۶
- ۲-۱-۶-۱ - سلطه و تصرف انسان بر اعضای بدن خود ..... ۵۱
- ۲-۳ - اهداء عضو در قالب عقود معین ..... ۵۲
- ۲-۳-۱ - بررسی امکان اهدا عضو در قالب عقد بیع ..... ۵۲
- ۲-۳-۲ - بررسی امکان اهدا عضو در قالب عقد هبه ..... ۵۵
- ۲-۳-۳ - بررسی امکان اهدا عضو در قالب عقد جعاله ..... ۵۶
- ۲-۳-۴ - بررسی امکان اهدا عضو در قالب عقد وصیت ..... ۵۷
- ۲-۴-۳-۱ - بررسی جواز و صحت وصیت به برداشت عضو ..... ۵۸
- ۲-۴-۳-۲ - بررسی تملیکی یا عهدی بودن وصیت به برداشت عضو ..... ۵۹
- ۲-۴ - اهداء عضو در قالب عقود نامعین ..... ۶۱



## فصل سوم: تأثیر پس زدن عضو پیوندی بر عمل حقوقی انتقال عضو

۳-۱- پس زدن پیوند و انواع آن .....	۶۵
۳-۲- وضعیت عمل حقوقی در صورت پسزدن عضو پیوندی .....	۶۶
۳-۲-۱- بررسی امکان بطلان عقد در صورت پس زدن عضو پیوندی .....	۶۷
۳-۲-۲- بررسی امکان انفساخ عقد در صورت پس زدن عضو پیوندی .....	۶۸
۳-۲-۳- بررسی امکان قابلیت فسخ در صورت پس زدن عضو پیوندی .....	۷۰
نتیجه و پیشنهادات .....	۷۴
فهرست منابع و مآخذ .....	۷۶
چکیده انگلیسی .....	۸۵

## چکیده

با پیشرفت علوم پزشکی، امروزه مساله انتقال عضو بیماران مرگ مغزی به یک امر حیاتی تبدیل شده است. این اعمال اگر چه از موضوعات تخصصی پزشکی هستند اما مباحث حقوقی نوظهوری را فراروی فقها و حقوق دانان قرار داده‌اند. نوشتار پیش‌رو که با روش توصیفی تحلیلی سامان یافته به سه مساله اساسی پرداخته است. اولین مساله این که آیا قطع عضو بیماران مرگ مغزی جایز است؟ دومین مساله مهم که مورد واکاوی قرار گرفته این است که در قالب کدام عقد می‌توان انتقال عضو را انجام داد؟ و سومین مساله اینکه در صورت پس زدن عضو انتقالی، عمل حقوقی صورت گرفته چه وضعیتی پیدا خواهد کرد؟ در مورد مساله اول اگر چه بین حقوق دانان درباره قطع عضو بیماران مرگ مغزی اتفاق نظر وجود داشته اما در بین فقها دو قول وجود دارد برخی از آنان مخالف قطع عضو بوده و برخی دیگر قائل به جواز قطع عضو هستند که با توجه به بررسی‌ها، ادله موافقان قطع عضو از استحکام بیشتری برخوردار است. در مورد مساله دوم نیز این نتیجه حاصل شده است که عمل انتقال عضو را می‌توان در قالب جعاله و یا وصیت انجام داد اما انتقال عضو در قالب بیع با توجه به ادله‌ای که متن پایان‌نامه متکفل بیان آن است صحیح نمی‌باشد. و بالاخره اینکه در صورت پس زدن عضو انتقالی، عمل صورت گرفته در سه حالت قابل بررسی است که شامل بطلان، انفساخ و قابلیت فسخ برای گیرنده عضو پیوندی می‌باشد و نهایتاً به جهت نوع خاص عمل اهداء عضو و حمایت از حسن نیت دهنده عضو، ضمن رد حالت‌های مطرح شده حفظ لزوم چنین قراردادی مورد تأیید قرار گرفته است.

کلید واژگان: فقه، حقوق، اهداء عضو، مرگ مغزی



## الف- بیان مسأله

باتوجه به پیشرفت روز افزون علم پزشکی و گسترش دامنه درمان بیماران از طرق مختلف، یکی از مسائل بسیار شایع در علم پزشکی روزگار ما پیوند اعضا می‌باشد که مانند همه علوم جدید در کنار مزیت‌ها، چالش‌هایی را نیز برای افراد جامعه به وجود می‌آورد.

در نگاه نخست مسئله پیوند عضو که تنها راه نجات و زنده ماندن بیماران مبتلا به بیماری‌های پیشرفته اعضاست یک موضوع صرف پزشکی به نظر می‌آید اما از آنجا که این مسأله در بیشتر مواقع مقارن با مرگ مغزی انسان دیگر است ما را به تأمل بیشتر و پرداختن به ابعاد اخلاقی، مذهبی، حقوقی، سیاسی و شرعی این مبحث وا می‌دارد.

مسئله‌ی مرگ مغزی یکی از موضوعات جنجال برانگیز علم پزشکی در دهه‌های اخیر می‌باشد که بحث‌های زیادی را در زمینه‌های حقوقی به دنبال دارد.

از دیدگاه پزشکی مرگ مغزی زمانی اتفاق می‌افتد که تمام فعالیت‌های سیستم عصبی که عامل اصلی حیات است متوقف شده و حتی یک سلول عصبی در مغز و قاعده مغز علائمی از حیات نداشته باشد از این رو در علم پزشکی به بیمار مرگ مغزی «مرده» اطلاق می‌شود که با حالت «کما»، «سنگکوب» و «زندگی نباتی» کاملاً متفاوت است.

در کشور ما از دیدگاه فقهی نیز حیات در مرگ مغزی منتفی است و فقیه به اعتبار نظر پزشک کارشناس، مرگ را تایید می‌کند. پرداختن به موضوع مربوط به وضعیت حقوقی بیماران مرگ مغزی به عنوان یک رویکرد علمی و مسئله اهداء عضو که به دنبال آن مطرح می‌گردد دارای ابهاماتی است که نیاز به واکاوی دقیق دارد. مواردی همچون ماهیت عمل حقوقی انتقال عضو، نقش اولیای دم در انتقال، تاثیر پس زدن عضو پیوندی بر عمل حقوقی صورت گرفته و ... از جمله مسائلی هستند که در این پایان‌نامه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

## ب- سؤال‌های پژوهش

۱- آیا قطع عضو بیمار مرگ مغزی جایز است و انسان صلاحیت لازمه برای انتقال اعضای بدن خود بعد از مرگ را دارد؟

۲- ماهیت حقوقی عمل انتقال عضو چیست؟

۳- در صورت پس زدن عضو، وضعیت عمل حقوقی صورت گرفته چگونه خواهد بود؟

## ج- اهداف پژوهش

هدف کلی این پژوهش شناسایی ماهیت حقوقی انتقال عضو و شناخت وضعیت عمل حقوقی صورت گرفته در صورت پس زدن عضو است. هدف جزئی این تحقیق تشخیص مالک بودن یا نبودن انسان بر اعضای بدن خویش و مال بودن یا نبودن اعضای بدن است.

## د- فرضیه های پژوهش

۱. انسان صلاحیت لازمه برای انتقال عضو به دیگری را برای بعد از مرگ خویش دارد.
۲. انتقال عضو از عقود نامعین است.
۳. در صورت پس زدن عضو، عمل حقوقی صورت گرفته، حسب مورد صحیح، باطل و منفسخ می شود.

## ه- حدود پژوهش

حدود این پژوهش فقه امامیه، قانون و حقوق موضوعه ایران است.

## و- پیشینه پژوهش

اگر بخواهیم مروری بر سوابق تحقیق پیش رو در ایران داشته باشیم باید اذعان داشت که در مورد بیماران مرگ مغزی اساتید بسیاری همچون ایرج گلدوزیان و عادل ساریخانی در کتاب «مرگ مغزی و آثار حقوقی آن» در سال ۱۳۷۸ همچنین حبیب الله طاهری کتاب «پیوند اعضاء از دیدگاه اسلام» را در سال ۱۳۷۸ به چاپ رسانده اند.

عادل ساریخانی در مجله فقه و حقوق، شماره ۳، ص ۱۶۵ برخلاف نظر علامه در کتاب قواعد و فاضل اصفهانی در کشف اللثام که معیار را در تحقق موت، عرف می دانند می گوید: حکم دایر مدار تشخیص موضوع است و در اینجا «مرگ مغزی» اگر چه ملاک تشخیص موضوع، عرف است ولی در تشخیص این موضوع، عرف عام ملاک نیست چرا که عرف عام در اینجا به عرف خاص اعتماد کرده و تشخیص را به عهده پزشکان نهاده است.

دکتر کاتوزیان و محمود آخوندی و سید حسن صفایی هم در کتب خود اشاراتی به بیماران مرگ مغزی داشته اند.

مقالات بسیاری هم در باب بیماران مرگ مغزی و اهداء عضو منتشر شده که از آن جمله می‌توان به «مبانی فقهی پیوند اعضاء از مردگان مغزی و تحلیل ماده واحده راجع به پیوند اعضاء مصوب ۱۳۷۹» از علی اصغر حاتمی و ندا مسعودی پاییز ۱۳۹۱ و «بررسی و تحلیل قوانین و مقررات مرتبط با پیوند اعضاء در ایران» نوشته شهلا معظمی، مهدی وحدانی، پریسا زاده دباغ مهر ۱۳۹۲ اشاره نمود.

مقاله نخست ضمن پرداختن به مواضع فقها نسبت به قطع عضو از جسد و مطالعه تطبیقی بین چند کشور از جمله آمریکا، استرالیا، فرانسه و کانادا به بیان ماده واحده قانون پیوند اعضاء بیماران مرگ مغزی پرداخته و از جهات مختلف آن را مورد بررسی قرار داده و پیشنهاداتی برای اصلاح ماده واحده قانونی پیوند اعضاء در جهت دسترسی آسانتر بیماران نیازمند به اهداء عضو ارائه گردید.

از سویی در باب پزشکی این موضوع دکتر فرامرز گودرزی در کتاب «پزشکی قانونی» و در خصوص پیوند اعضاء حسین حبیبی کتاب «مرگ مغزی و پیوند اعضاء از دیدگاه فقه و حقوق» سال ۱۳۸۰ را قلم زده است.

حسین حبیبی در کتاب مورد نظر، ویرایش اول، ص ۴۶ در امر پیوند اعضاء برداشت عضو بدون اذن و رضایت صاحب عضو را هتک حرمت و تجاوز به حق او می‌داند و در صورت اذن صاحب عضو و رضایت ولی یا اولیاء، آن را فداکاری، ایثارگری و نوع دوستی به شمار می‌آورد.

علی رغم کتب و مقالات چاپ شده بسیار در باب اهداء عضو و بیماران مرگ مغزی، همچنان مباحث حقوقی مربوط به آن مبهم و سوال برانگیز می‌باشد که سعی می‌شود در نوشتار حاضر آنها را مورد واکاوی قرار دهیم.

## ح- روش شناسی پژوهش

روش تحقیق در این پایان‌نامه توصیفی تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی بوده که از طریق مطالعه مقالات، مجلات و کتب مربوطه و با فیش برداری از آنها، در فصول مقتضی به سوالات و ابهامات مطروحه پاسخ داده می‌شود.

## خ- سازماندهی پژوهش

فصل اول: مفاهیم و کلیات

فصل دوم: ماهیت عمل حقوقی انتقال عضو

## فصل سوم: وضعیت عمل حقوقی صورت گرفته در صورت پس زدن عضو

## فصل اول

### مفاهیم و کلیات



## مفاهیم و کلیات

در این فصل ابتدا به تعریف لغوی و اصطلاحی مفاهیمی همچون فقه، مرگ طبیعی، مرگ مغزی و اطلاعات پزشکی پیرامون آن، بافت، پیوند عضو و انواع پیوند بر اساس استقرار عضو پیوندی، ارتباط ژنتیکی بین فرد دهنده و گیرنده عضو و منابع تأمین پیوند عضو خواهیم پرداخت. در ادامه با ارائه کلیاتی از قبیل مستندات فقهی و حقوقی، بررسی معیار اولیای متوفی در برداشت عضو و بیان احکام برداشت عضو از بدن کافر، تاریخچه‌ای از مرگ مغزی و پیوند اعضا در دنیا و ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### ۱-۱- مفهوم فقه

در این قسمت مفهوم فقه در لغت و اصطلاح مورد بررسی قرار می‌گیرد:

#### ۱-۱-۱- فقه در لغت

واژه‌شناسی «فقه» و بررسی معنای لغوی و تفکیک آن از معنای اصطلاحی و پی بردن به معنای آن در فرهنگ قرآن و حدیث اهمیت ویژه دارد. در نگاه اول و مراجعه ابتدایی به کلمات و تعبیرات کثیری از اهل لغت، به نظر می‌رسد که فقه به معنای مطلق فهم باشد.

«الفقه، فهم الشيء» (فیومی، ۷۷۰ق: ۴۷۹)، «الفقه، بالكسر العلم بالشیء و الفهم له و الفطنه له» (فیروزآبادی، ۷۲۹-۸۱۷ ق، ج ۴: ۲۸۹). گرچه در عبارات گفته شده فقه به «مطلق فهم» معنا شده لکن فقه در لغت به معنای دانستن و فهمیدن (جوهری، بی تا، ج ۶: ۲۲۴۳) و به معنای درک کردن چیزهای مخفی نیز آمده است (عبدالناصر، بی تا، ج ۱: ۹) راغب در مفردات آن را پی بردن از معلومات حاضر به معلومات غایب معنا کرده است (راغب اصفهانی، بی تا: ۶۴۲). همچنین بنا بر عقیده برخی دیگر از لغویان فقه به معنای مطلق فهم و ادراک و دانش و علم به چیزی، درک و فهم آن چیز، دانستن، فهمیدن، فهم دقیق چیزی، درک اشیاء مخفی، درک منظور و هدف گوینده، فهم دقیق مسائل نظری، جودت ذهن و سرعت انتقال، پی بردن از معلومات حاضر به معلومات غایب به کار رفته است (گرجی، ۱۳۷۷: ۷؛ شهابی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۳۰؛ نوری، ۱۳۷۸: ۷؛ جناتی، ۱۳۷۴: ۳).

## ۱-۱-۲- فقه در اصطلاح

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «هر چیزی پایه و اساس دارد، پایه و اساس این دین، فقه است.» (پاینده، ۱۳۲۴ : ۳۳۳) در قرآن کریم نیز از کلمه فقه و مشتقات آن، کم و بیش همین معانی لغوی اراده شده است. برای نمونه به ذکر دو مورد اکتفا می‌کنیم:

- فهم چیزهای دقیق یا مخفی « و هیچ چیز نیست مگر اینکه شاکرانه او را تسبیح می‌گوید ولی شما تسبیح آنان را در نمی‌یابید» (سوره اسراء، آیه ۴۴).

- مطلق فهم و درک « گفتند ای شعیب بسیاری از آنچه می‌گویی در نمی‌یابیم» (سوره هود، آیه ۹۱).

کلمه فقه در قرآن کریم به معنای تدبّر، تعمق و فهم عمیق به کار رفته است، همین مفهوم گسترده برای فقه، در روایات نیز به چشم می‌خورد به عنوان نمونه امام صادق (ص) می‌فرماید: «هرگاه خداوند خیر و سعادت بنده‌ای را بخواهد او را در دین بصیر و آگاه می‌گرداند» (کلینی، اصول کافی، ج ۱: ۳۲).

در عصر امام صادق (ع) دانشهایی نظیر دانش کلام، دانش اخلاق (معرفه النفس) و دانش تفسیر از فقه جدا شده و فقه تنها در احکام فرعی خلاصه شد. در همین عصر کسانی چون شافعی، فقه را به «علم به احکام شرعی عملیه‌ای که از طریق ادله تفصیلی به دست می‌آید» تعبیر کردند (شرح جمع الجامع للمحلی: ۳۲). فقه در اصطلاح اصولیان و فقها، مجموعه‌ای از قوانین، دستورها و امر و نهی‌هایی است که فقیه، از منابع و ادله تفصیلی آن استنباط می‌کند و موضع عملی عبد را در برابر خالق رقم می‌زند و به او می‌آموزد که چه عکس‌العملی در مقابل مولای حقیقی‌اش داشته باشد. در شریعت اسلام هر قانون الهی « حکم » نامیده می‌شود (مطهری، بی‌تا: ۵۴) هر حکم مشخص کننده وظیفه‌ای است که خداوند متعال در مورد هر یک از کارهای بندگانش از آنها انتظار دارد. هدف این احکام این است که انسان عمل خاصی را در خارج انجام دهد و یا ترک کند یا اینکه نسبت به انجام یا ترک آن مخیر باشد و منظور از علم فقه علم یافتن به احکام شرعی است از راههای اثبات کننده آن (معالم الدین و ملاذالمجتهدین، ۱۳۶۵: ۲۶). بنابراین

---

<sup>۱</sup> فقه ان لكل شيء دعامة و دعامة هذا الدين

<sup>۲</sup> و ان من شيء الا يستح بحمده و لكن لا تفقهون تسبيحهم

<sup>۳</sup> قالوا يا شعيب ما نفقه كثيرا مما تقول

<sup>۴</sup> اذا اراد الله بعبد خيرا فقهه في الدين

فقه در لسان قرآن کریم و روایات اسلامی مفهومی گسترده دارد و عبارت از شناختی عمیق و وسیع نسبت به همه معارف دینی و دستوره‌های اسلامی است و به بخش خاصی اختصاص ندارد.

## ۱-۲- مفهوم مرگ طبیعی

از نظر لغوی مرگ به معنای مردن، باطل شدن قوه حیوانی و حرارت غریزی، فنای حیات و نیست شدن زندگانی، از گیتی رفتن، مقابل زندگی و محیا، درگذشت و فوت است (دهخدا، ۱۳۵۲: ۲۱۱). لسان العرب آن را به «ضد حیات» معنا می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۹۱). برخی مرگ را به معنای «سکون» می‌دانند (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۱۵). مفهوم مرگ در رشته‌های گوناگون علمی مفاهیم متفاوت و در عین حال مرتبط باهم دارد. در زیست‌شناسی مرگ پایان زندگی موجودات زنده است. در نقطه‌ای از زمان که فرد آرایش سلولی مغز خود و در نتیجه اطلاعات ذخیره شده آن را از دست می‌دهد دچار مرگ غیرقابل بازگشت خواهد گردید. (رضائیان، ۱۳۹۰)

در طول تاریخ دیدگاه‌های بسیاری درباره مرگ وجود دارد، اهمیت این مفهوم آنقدر زیاد است که همیشه به عنوان یکی از مهمترین قسمت‌های فرهنگ انسان‌ها محسوب می‌شود. بخش عظیمی از این فرهنگ متأثر از دیدگاه ادیان به مرگ است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «خداوند جان‌ها را به هنگام مرگ می‌ستاند.» (سوره زمر، آیه ۴۲) و نیز می‌فرماید: «بگو فرشته مرگ که بر شما گماشته شده، جانان را می‌ستاند.» (سوره سجده، آیه ۱۱) حضرت علی (ع) دشواری فهم مرگ را چنین بیان می‌کند: «مشکلات مرگ چنان پیچیده و دردناک‌اند که به وصف در نمی‌آیند و با قوانین خرد مردم این دنیا، سنجیده نمی‌شوند.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۲۱، بند ۳۴).

حقیقت مرگ در واقع جدا شدن روح از بدن است از آنجایی که ارتباط روح با بدن به دلیل مجرد بودن روح و مادی بودن جسم، مانند حلول و مخلوط شدن نیست لذا علاقه و ارتباطی روح با جسم دارد بی‌آنکه آمیزش و تداخلی با جسم داشته باشد. روح مانند پوششی بدن را فراگرفته است. لذا معنای مرگ، بریده شدن این حلقه و جدا شدن این پوشش است (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۱).

<sup>۱</sup> اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا

أَقْلَ يَتَوَفَّكُم مَّلِكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ

<sup>۲</sup> وَإِنَّ لِلْمَوْتِ لَعَمْرَاتٍ، هِيَ أَفْطَعُ مِنْ أَنْ تُسْتَعْرَقَ بِصَفَةٍ أَوْ تَعْتَدَلَ عَلَى عُقُولِ أَهْلِ الدُّنْيَا

## ۱-۳- مفهوم مرگ مغزی و بررسی مفاهیم مشابه آن<sup>۱</sup>

در کشور ما قانون‌گذار تعریفی از مرگ مغزی نداشته اما ماده ۱ «آیین نامه اجرایی قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیماران مرگ مغزی» مصوب ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۱، مرگ مغزی را به این صورت تعریف کرده است:

مرگ مغزی عبارت است از قطع غیرقابل برگشت کلیه فعالیت‌های مغزی کورتیکال (قشر مغز)، ساب کورتیکال (لایه زیر قشر مغز) و ساقه مغزی به طور کامل.

ماده ۲، ۳ و ۴ این آیین نامه در مورد چگونگی تأیید و تشخیص مرگ مغزی و بایدها و نبایدهای قانونی آن سخن گفته است:

**ماده ۲.** تشخیص و تأیید مرگ مغزی براساس ضوابط این آیین نامه توسط چهار پزشک متشکل از یک متخصص نورولوژی، یک متخصص جراحی مغز و اعصاب، یک متخصص داخلی و یک متخصص بیهوشی صورت می‌گیرد.

تبصره ۱. متخصصان فوق‌الذکر در هر یک از دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استانها که دارای بیمارستانهای مجهز باشند، توسط وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی انتخاب و احکام آنان برای مدت چهار سال صادر خواهد شد.

تبصره ۲. هر کدام از پزشکان صدرالذکر این ماده، جداگانه این بیمار را معاینه نموده، برگه مخصوص این امر را تکمیل، امضا و مهر می‌نماید و در صورت اتفاق آرا، مرگ مغزی بیمار، مسلم خواهد بود.

تبصره ۳. تأیید پزشک قانونی در حیطه وظایف و مسئولیتهای مربوط در زیر برگه مخصوص یاد شده در تبصره ۲ فوق ضروری است.

تبصره ۴. برگه تعیین و تأیید مرگ مغزی، توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تهیه و در اختیار مراکز تشخیص دهنده مرگ مغزی قرار خواهد گرفت.

تبصره ۵. تشخیص قطعی مرگ مغزی باید در بیمارستانهای مجهز دانشگاهی دولتی انجام شود.

**ماده ۳.** اعضای تیمهای تشخیص و تأیید مرگ مغزی نباید عضو تیم‌های پیوندکننده باشند.

**ماده ۴.** کلیه بیمارستانهای کشور موظفند موارد وقوع مرگ مغزی را به مرکز مدیریت پیوند و بیماریهای خاص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گزارش دهند تا مراتب توسط تیم تشخیص دهنده مرگ مغزی تأیید گردد.

علی‌الحال اکثر خانواده‌ها درک درستی از مفهوم مرگ مغزی ندارند، به‌طور غریزی، تداعی مرگ با توقف قلب است؛ اما قلب دارای سیستم مکانیکی است که تا حدودی مستقل از بقیه سیستم‌های عصبی

<sup>۱</sup> - Brain Death